

صادق است از من در بدین من بار خدا یاسم در گوش هر انسانی است  
و معنوی که با شنیدن حق است یا قبول یا گردن حق یا شنیدن خیر که با دوست  
شنیدن آن بار خدا اعطای عاقبت از کور در چشم من با عاقبت از کور  
آیات و هدایت حق یا از دیدن بجانب حوام و باطل و مخصوص سم و بوی  
ذکر این برای اظهار شرف است که جامع اندو که آیات نفاذ با کمال است  
من الله بر غیر آن و آیات عقاب را که آقا است و لهذا آنحضرت فرموده است  
اللهم متعنا ما نسا عتقا و البصائر و در تقدیم سم بر بصر است از نصیحت  
او زیرا که با غیر بصر من کامل میشود و تقدیم سم کمال است  
نیست با آنکه تقدیم حلقه من تقدیم است از است که در بصر است  
که از علم حیات او رسوا شد است بلکه خدا است افضل است قول لا اله الا الله  
است یعنی بر اعمی طلب عاقبت از جبار است نه از غیر تو قول اللهم اني ارجو  
تو انك ترحم من و الله اعلم ان دعاء که بار خدا با معجزیم باه تو از کور و  
ایمان و از کور دل و لهذا قرین کور فرموده برای حدیث که قال الله ان ینزل  
کفر ان یرا کما صاحب این نور رضا اقتضا ندارد بلکه معوض است بر رضا با از کور  
نعمت و از احیای هر خلق بر وجه عدالت یا از فقر ای از عدت مال یا عدم  
و این استعاضه برای تعلیم و ارشاد است است بار خدا با ما به معجزیم تو از کور  
عقوبتی که در قبر است با از معاصی که سبب عذاب قبر است لا اله الا الله است  
استعاضه است که از است سبحان الله و بحمده لا قوة الا  
بالله ما نشاء الله کان و ما له نشاء لم یکن انکم ان الله کان  
کل شیء عود یوم و ان الله قد احاط بكل شیء علما

سبحان

سبحان علم تسبیح که منسوب است با جبرودت زما صله و اجرا لا ضار  
لینا در سن ابوداد در سن یکناب عمل الیوم و الیوم است سبحان است از  
عبد المجید مولای منی با ششم از ما در خود که صبر است از بعضی نجات معجزه است  
عبدوسم و لفظ حدیث این است من قال من قال من یضیع حفظ حق من یضیع  
من قال من یضیع حفظ حق یضیع یعنی تسبیح و تترتیب میگوید از از انچه  
ادبیت ای صفات سبیده او و قیام و درم بجزوئی او و صفات نبوتیه او با  
سبک در تسبیح بر نفوت نبوتیه او و بر الیهمان نفوت نبوتیه او بر کمال نبوتیه  
اهم است از نفوت سبیده او همه نقصان و در اول جمله مستخدم لفظ نقصان است  
از غیر عکس است و او مجده برای عطف فعلیه بر نفوتیه است با آن و از زبده است  
است سبحان الله معروفاً بمجده و ای حال برهن من معروفاً بمجده یا به تسبیح کور  
حدیث است پس مجده حال است و بحکم کور تقدیر هموای الله سبحان الله  
مجدده باشد پس او را حدیث بر جده سبیده لا قوه ای نیست هیچ قدره در سبیده  
طاعت ملک بر سگوز و حرکت ملک با قد از خدا است مات الله جزای که در است  
خدا است و هجری که نوحی است است شده است بنده خواست یا نوحی است  
در حدیث قدس است بر بیدار و در لا یقولن الا ما ارید من ربی قد ارید  
و من سخط قد ارید سخط یعقل الله ما یشاء و حکیم ما یرید تو را علم ان الله  
ای میدانم من کذای تعالی بر هر قدر که ممکن است قادر است علم کفایت انما من عاب  
الاخص من تعبدتشی و کل شیء که نام است مخصوص است از ان ایالات است  
حالات متعلق بر شیت الهی نیست لیکن شعی در ان الله اهاط بکل شیء علم است  
و مخصوص نیست زیرا که علم خدا شامل جمیع موجودات و معدومات جمیع ممکنات و محتملات